

رِسَاترِن قَسَم

مُباهله پیامبر اعظم (ص)، با مسیحیان سرزمین نَجْران

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قطع: جیبی

نوبت چاپ: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰,۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی
آدرس مجتمع: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ممتاز، کوچه ۷
پ ۳۲، مجتمع فرهنگی پژوهشی
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۴۳۱-۰۲۵، فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

اشاره

بدون تردید ماجرای مُباهله پیامبر اعظم (ص) با مسیحیان سرزمین نجران، یکی از مهم‌ترین وقایع صدر اسلام، و از دلایل خدشه‌ناپذیر بر حقیقت اهل بیت آن حضرت (ص) به شمار می‌آید.

مُباهله، یعنی توجه و تضرّع دو گروه مخالف یکدیگر به درگاه الهی و تقاضای لعنت و هلاکت طرف مقابل که از نظر آنها اهل باطل است.^۱ مُباهله، داستان پنجه در پنجه افکندن نور با تیرگی و غلبه سپیدی بر تاریکی است. مُباهله، شکوه کبریایی خداوند در اثبات حقیقت پیامبر اعظم (ص) و درخشش نور الهی در وجود زلال‌ترین و برترین انسان‌هاست؛ همان کسانی که خدای تعالی در قرآن کریم درباره ایشان فرمود: «جز این نیست که خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت هر پلیدی را بزدايد و شما را به شایستگی پاک گرداند». (احزاب: ۳۳)

۱. محسن قرائتی، پرتوی از نور: گزیده تفسیر نور، ص ۵۷.

دعوتِ مسیحیان نجران به اسلام

پس از ہجرت سراسر نور پیامبر اعظم (ص) از مکہ به مدینہ و تشکیل و تثبیت حکومت اسلامی، ایشان در اواخر عمرِ خویش به نامہنگاری با بزرگان دیگر کشورها و مراکز مذہبی پرداختند و آنان را بہ آیین اسلام دعوت فرمودند.

یکی از این افراد، ابو حارثہ، اُسقف سرزمین نجران بود. بخش باصفای نجران، با ہفتاد دہکدہ تابع خود، در نقطہ مرزی حجاز و یمن قرار داشت. در آغاز طلوع اسلام این سرزمین، تنہا نقطہ مسیحی نشین حجاز بود کہ مردم آن بہ عللی از بت پرستی دست کشیدہ و بہ آیین عیسی مسیح (ع) گرویدہ بودند. رسول خدا (ص) در نامہ خود، این چنین ابو حارثہ و مسیحیان آنجا را بہ اسلام فراخواندند:

بہ نام خداوند ابراہیم و اسحاق و یعقوب. از محمد پیامبر خدا بہ اُسقف نجران: خدای ابراہیم و اسحاق و یعقوب را می ستایم و شما را از پرستش بندگان، بہ پرستش خداوند دعوت می کنم. از ولایت بندگان خدا بیرون آید و در ولایت الہی وارد شوید. اگر دعوت مرا نپذیرید، باید بہ حکومت اسلامی مالیات بپردازید و در غیر این صورت، بہ شما اعلام

خطر می‌کنم.^۲

ابوحارثہ بہ دقت نامہ را مطالعہ کرد و پس از جلسہ با بزرگان سرزمین نجران، بہ این نتیجہ رسید کہ باید گروہی بہ مدینۃ الرسول بروند و دربارہ این آیین جدید بحث و بررسی کنند. از این رو، شصت تن از داناترین مردم نجران بہ رھبری خود او بہ طرف شہر پیامبر حرکت کردند.

امام علی (ع) حلال مشکلات

نجرانیان بہ مدینہ رسیدند و بہ مسجد پیامبر وارد شدند. آنہا لباس‌هایی ابریشمی بر تن، انگشترهای قیمتی طلا بر انگشتان و صلیب‌هایی بر گردن داشتند. این وضع ناپسند موجب ناراحتی رسول خدا (ص) شد و حضرت بہ سردی با ایشان برخورد کردند.

۲. جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۳۱.

ہیأت نمایندگی سرزمین نَجْران کہ چنین دیدند، دست بہ دامن امام علی (ع) شدند و از ایشان چارہ جویی کردند. امیر مؤمنان (ع) فرمودند: ہم اکنون لباس های فاخرتان را بہ در آورید و با لباس هایی سادہ و بدون زر و زیور بہ دیدار پسر عمویم بشتابید. چون چنین کردند، این بار حضرت رسول (ص) با رویی باز از ایشان استقبال کرد و شرف حضور یافتند.

گفتگوی دو طرف

تاریخ نگاران، جزئیات سخنان رد و بدل شدہ میان پیامبر اسلام (ص) و مسیحیان نَجْران را در کتاب های خود آورده اند:

- رسول خدا (ص): من شما را بہ آیین توحید و پرستش خدای یگانه و تسلیم در برابر اوامر الہی فرامی خوانم.
- ہیأت نَجْران: اگر منظور از اسلام، ایمان آوردن بہ خدای جہان است، ما پیش تر بہ او ایمان آورده ایم.

- رسول خدا (ص): اسلام نشانه‌هایی دارد. شما چگونه می‌گویید خدای یگانه را پرستش می‌کنید، در صورتی که صلیب را می‌پرستید و از خوردن گوشت خوک پرهیز نمی‌کنید و برای خدا فرزند قائلید؟
- هیأت نجران: ما مسیح را خدا می‌دانیم؛ چون او مردگان را زنده کرد و بیماران را شفا بخشید و از گل، پرنده‌ای ساخت و به پرواز درآورد.
- رسول خدا (ص): او بنده خدا و مخلوق اوست که او را در رحم مریم قرار داد و این قدرت و توانایی را خدا به او داده بود. وضع عیسی از این نظر، مانند حضرت آدم است که او را با قدرت بی پایان خود، بدون آنکه دارای پدر و مادری باشد، از خاک آفرید. پس اگر نداشتن پدر، گواه بر این باشد که او فرزند خداست، پس حضرت آدم برای این منصب شایسته‌تر است؛ زیرا نه پدری دارد و نه مادری.^۳

۳. نک: همان، ص ۴۳۴.

مسیحیان نَجْران که در برابر استدلال‌های پیامبر اعظم (ص) مات شده بودند، از روی دشمنی گفتند: سخنان شما، ما را قانع نمی‌کند.

مُباهله؛ راهکاری الهی

پس از اینکه هیأت نَجْران از در عناد و لجبازی در آمدند و سخنان بر حق رسول خدا (ص) را نپذیرفتند، فرشته وحی از طرف باری تعالی فرود آمد و آیه مُباهله را بر قلب نازنین محمد مصطفی (ص) نازل گردانید:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران: ۶۱)

پس هر که با تو بعد از دانشی که به تو رسیده است درباره او (عیسی) به ستیز برخیزد (و از قبول حق شانه خالی کند)، بگو: بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان (یعنی کسی که به منزله خودمان است) و خودتان را بخوانیم و سپس (به درگاه الهی) مُباهله و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

در این حال و پس از دستور الهی، رسول خدا (ص) به هیأت نَجْران فرمودند: راه حل این است که در وقتی معین با هم مُباهله کنیم و نابودی طرف دیگر را از خدای متعال بخواهیم. بدین ترتیب، دو طرف روز بعد را برای انجام مُباهله تعیین کردند.^۴

نَجْرانیان شور می کنند

در روایات اسلامی آمده است که چون موضوع مُباهله مطرح شد، نمایندگان نَجْران از رسول خدا (ص) مهلت خواستند تا در این کار بیندیشند و با بزرگان خود به شور پردازند. نتیجه مشاوره آنان این بود که به افراد خود دستور دادند اگر مشاهده کردید محمد با سر و صدا و جمعیت و جار و جنجال به مُباهله آمد با او مُباهله کنید و نترسید؛ زیرا در آن صورت حقیقتی در کار او نیست که متوسل به جار و جنجال شده است و اگر با نفرات بسیار محدودی از نزدیکان و فرزندان خردسالش به میعادگاه آمد، بدانید که او پیامبر خداست و از مُباهله با او پرهیزید که خطرناک است.

۴. سید منذر حکیم، خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی (ص)، ص ۲۵۹.

میعاد گاہ

ہنگامی کہ مذاکرہ پیامبر با ہیأت نَجْران بہ نتیجہ نرسید، قرار شد دو گروہ صبح روز بیست و چہارم ذیحجہ، در دامنہ صحرا مُباہلہ کنند. رسول خدا (ص) از میان مسلمانان و بستگان خود، فقط چہار نفر را برگزید: علی بن ابی طالب (ع)، فاطمہ زہرا (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع)؛ زیرا در میان تمام مسلمانان، انسان ہایی پاک تر و با ایمانی استوارتر از این چہار تن وجود نداشت.

پیامبر خدا (ص) در حالی کہ حسین (ع) را در آغوش گرفتہ و دست حسن (ع) را در دست داشت و فاطمہ (س) بہ دنبال آن حضرت و علی بن ابی طالب (ع) پشت سر وی حرکت می کردند، گام بہ میدان مُباہلہ نہاد و پیش از ورود بہ میدان مُباہلہ، بہ ہمراہان خود فرمود: «ہر گاہ بہ دعا ایستادم، شما دعای مرا با گفتن آمین بدرقہ کنید».

انصراف نَجْرانیان از مُباہلہ

پیامبر گرامی اسلام (ص) بہ ہمراہ علی و فاطمہ و حسن و حسین (علیہم السلام) در

برابر دیدگان هزاران نفر از مردم وارد صحنه مُباهله شدند. وقتی چشم اسقف نَجْران به ایشان افتاد، پرسید: آنان چه کسانی هستند؟ اطرافیان پاسخ دادند: جوانی که همراه اوست، پسرعمو و داماد محمّد و محبوب‌ترین افراد نزد اوست. آن زن، دخترش فاطمه و مادر دو پسری است که همراه اویند. در این حال اسقف گفت:

به خدایی که جانم در قبضه قدرت اوست، من چهره‌هایی را می‌بینم که اگر دست بر دعا بردارند و از درگاه خدا بخواهند که بزرگ‌ترین کوه‌ها را از جای برکنند، مستجاب خواهد شد. بنابراین، هرگز صحیح نیست ما با این چهره‌های نورانی و بافضیلت مُباهله نماییم؛ زیرا نابودی ما بعید نیست و ممکن است دامنه عذاب گسترش یابد و همه مسیحیان جهان را بگیرد.^۵

مسیحیان نَجْران با دیدن چهره مصمم پیامبر اسلام (ص) و همراهانش از یک سو و شنیدن سخنان یاس‌آور اسقف نَجْران، مبنی بر احتمال شکست در مُباهله از سوی دیگر، از انجام مُباهله صرف نظر کرده و حاضر شدند هر سال مبلغی به عنوان جزیه و مالیات بپردازند تا در پناه حکومت اسلامی زندگی کنند. رسول خدا (ص) نیز رضایت خود را اعلام کرد و فرمود:

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۷۳.

عذاب، سایہ شوم خود را بر سر نمایندگان نجران گسترده بود. اگر وارد مُبَاهَلہ می شدند، صورت انسانی خود را از دست می دادند و در آتشی که در بیابان افروخته می شد، می سوختند و دامنه عذاب حتی به سرزمین نجران نیز کشیده می شد.^۶

صُلحنامہ

هیأت نمایندگی نجران، پس از پذیرفتن حکومت اسلامی و انصراف از مُبَاهَلہ، از پیامبر اعظم (ص) درخواست کردند مقدار مالیات سالیانہ آنان را در نامہ ای بنویسد و در مقابل، امنیت منطقہ نجران را تضمین کند. امیر مؤمنان علی (ع) به فرمان رسول خدا (ص) متن زیر را نوشت:

به نام خداوند بخشندہ مہربان. داوری محمد درباره تمام دارایی های ملت نجران این شد کہ اهالی آنجا، ہر سال دو ہزار لباس بہ حکومت اسلامی بپردازند و ہر گاہ از ناحیہ یمن، آتش جنگ شعلہ ور گشت، باید ملت نجران سی زرہ و سی شتر و سی اسب بہ صورت عاریہ در اختیار ارتش اسلام بگذارند و پذیرایی نمایندگان پیامبر در نجران،

۶. پرتوی از نور: گزیدہ تفسیر نور، ص ۵۷ و ۵۸.

به مدت یک ماه بر عهده آنان است. البته جان، مال، و معابد نجرانیان، در امان خدا و رسول اوست؛ به شرط اینکه از هم‌اکنون از هر نوع رباخواری خودداری کنند. در غیر این صورت، محمد در برابر آنان تعهدی نخواهد داشت.^۷

عدالت و مهرورزی رسول خدا (ص)

مفاد صلح نامه پیامبر اکرم (ص) با هیأت نمایندگی نجران، از شدت عدالت و دادگستری مکتب اسلام حکایت می‌کند و نشان دهنده رأفت حکومت اسلامی است. هیأت نجران هنگام پیشنهاد صلح، در موضع ضعف بودند و آن چنان در تنگنا قرار داشتند که هرگونه پیشنهادی را از طرف پیغمبر می‌پذیرفتند، ولی رسول خدا (ص) بر خلاف روش حکومت‌های زورمدار جهان که از درماندگی طرف مقابل سوء استفاده و مالیات‌های بسیار کلانی بر آنان تحمیل می‌کنند، روحیه عدالت‌خواهی و پای‌بندی به اصول انسانی و اخلاقی را به نمایش گذاشت و به اندک مالیاتی بسنده نمود. ایشان با این رفتار، دل‌های

۷. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۴۳۸ و ۴۳۹.

آنان را به دین اسلام مجذوب ساخت، به طوری که چند نفر از نَجْرانیان مسلمان شدند.

مُباهله؛ روزی استثنایی در تاریخ اسلام

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در سخنانی درباره واقعه مُباهله حضرت رسول (ص) با مسیحیان نَجْران می‌فرماید:

روز مُباهله، روزی است که پیامبر مکرم اسلام، عزیزترین عناصر انسانی خود را به صحنه می‌آورد. ... عزیزترین انسان‌ها را پیغمبر اکرم انتخاب می‌کند و به صحنه می‌آورد برای مُحاجّه‌ای که در آن باید مایز بین حق و باطل و شاخص روشنگر در معرض دید همه قرار بگیرد. هیچ سابقه نداشته است که در راه تبلیغ دین و بیان حقیقت، پیغمبر دست عزیزان خود، فرزندان خود و دختر خود و امیرالمؤمنین را - که برادر و جانشین خود هست - بگیرد و بیاورد وسط میدان؛ استثنایی بودن روز مُباهله به این شکل است؛ یعنی نشان دهنده این است که بیان حقیقت، ابلاغ حقیقت، چقدر مهم است؛ می‌آورد به میدان با

این داعیه که می‌گوید بیاییم مُباهله کنیم؛ هر کدام بر حق بودیم، بماند، هر کدام بر خلاف حق بودیم، ریشه‌کن بشود با عذاب الهی.^۸

قطعه ادبی

روز مُباهله فرا رسید. تلاطم مهیب شک و تردید، آرامش پوشالی قلب‌هایشان را درهم کوبیده بود. آرزو می‌کردند تو را با گروهی از یاران و سربازانت ببینند تا اینکه با خاندان سراسر نورت به میدان مُباهله قدم بگذاری.

۸. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۸۹.

ولی تو آمدی؛ با دنیایی که محو تماشای جمال و هیبت خاندان پاک و روحانیات شده بود. قلب زمان از استواری گام‌های علی (ع) به تپش افتاد و گل‌های یاس، به تماشای فاطمه (س) عطرافشان شدند. دست دُرَدانہ اهل آسمان، حسن (ع) را در دستان مہربانت داشتی و جگر گوشہ‌ات حسین (ع) را عاشقانہ بہ سینہ چسبانده بودی. زمین بر آسمان فخر می فروخت کہ بر پشت او گام می نهید و آسمان از دیدن آن ہمہ شکوہ و وقار، بہ وجد آمدہ بود. باد، عظمت ایمانتان را در گوش ہزار سرو آزاد نجوا کرد و یک دشت شقایق، شیفتہ پاکی نگاهتان شد. ... و نجران، بہ حقانیت این خاندان، اعتراف کرد.^۹

۹. فاطرہ ذبیح زادہ در ماہنامہ اشارات، شمارہ ۹۲، دی ۱۳۸۵.

منابع

- قرآن کریم.
- حکیم، سید منذر، خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی (ص)، ترجمه عباس جلالی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، چاپ نخست، ۱۳۸۵.
- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون، در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۸۹.
- قرائتی، محسن، پرتوی از نور: گزیده تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۵.
- ماهنامه اشارات، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، شماره ۹۲، دی ۱۳۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵.